

جمع بندی طلایی

تاریخ ادبیات

ویژه کنکور ۹۹

نشر و کپی آزاد!

مؤلف:

امید میران

مدرسه ای درس

مرکز آموزشی عصر

www.madars.ir



مبحث: تاریخ ادبیات

ادبیات به سبک امید میران

از سری پوسترهای جمع بندی

فارسی (سال دهم).....		داستان های دل انگیز ادب فارسی: زهرا کیا (فانتری) (این کتاب باز نویسی داستانهای هفت پیکر نظامی است)		روضة خلد: مجد خوافی		شعر «ای میهن»: ابوالقاسم لاهوتی	
منظوم	هفت پیکر: نظامی گنجه ای	منظوم	منثور	منظوم	منثور	منظوم	منثور
منظوم	بینوایان: ویکتور هوگو (ترجمه فسنقلی مستعان)	منظوم	منثور	منظوم	منثور	منظوم	منثور
منظوم	متن «مزار شاعر»: فرانسوا کوپه	منظوم	منثور	منظوم	منثور	منظوم	منثور
منظوم	سقفونی پنجم جنوب: نزار قبّانی (ترجمه مهندس شکرچی، ناهید نصیبت، سید هادی فسروشاهی)	منظوم	منثور	منظوم	منثور	منظوم	منثور
منظوم	مائده های زمینی و مائده های تازه: آندره ژید (ترجمه موسی بهرینی) (متن «عظمت نگاه» از آن انتقاب شده است)	منظوم	منثور	منظوم	منثور	منظوم	منثور
منظوم	صور خیال در شعر فارسی: شفیع کدکنی (۳، سرشک) (آثار دیگر: موسیقی شعر - آینه ای برای صداها - مثل در رفت در شب باران) (منظوم))	منظوم	منثور	منظوم	منثور	منظوم	منثور
منظوم	جوامع الحکایات و لوامع الروایات: سدیدالدین محمد عوفی	منظوم	منثور	منظوم	منثور	منظوم	منثور
فارسی ۲ (سال یازدهم).....		مناجات نامه: خواجه عبدالله انصاری		ماه نو و مرغان آواره: رابیندرانات تاگور (ترجمه ع. پاشایی)		زادالمعاد: کتابی از [علاء مهلسی] با موضوع دعاها، مرثیه و زیارت ها	
منظوم	بهارستان: جامی	منظوم	منثور	منظوم	منثور	منظوم	منثور
منظوم	تاریخ بیهقی: ابوالفضل بیهقی	منظوم	منثور	منظوم	منثور	منظوم	منثور
منظوم	تحفه الاحرار: جامی (شعر «زاغ و کبک» از این کتاب انتقاب شده است)	منظوم	منثور	منظوم	منثور	منظوم	منثور
منظوم	اسرار نامه: شیخ فریدالدین عطار (عطار این کتاب را در دوران کودکی مولانا به وی هدیه داد) (آثار دیگر: تذکره الاولیاء) (منثور)	منظوم	منثور	منظوم	منثور	منظوم	منثور
منظوم	منطق الطیر: شیخ فریدالدین عطار	منظوم	منثور	منظوم	منثور	منظوم	منثور
منظوم	روزها: دکتر محمدعلی اسلامی ندشن	منظوم	منثور	منظوم	منثور	منظوم	منثور
منظوم	زندگانی جلال الدین محمد، مشهور به مولوی: بدیع الزمان فروزانفر (آثار دیگر: شرح مثنوی شریف)	منظوم	منثور	منظوم	منثور	منظوم	منثور
منظوم	متن «میثاق دوستی»: لطفعلی صورتگر	منظوم	منثور	منظوم	منثور	منظوم	منثور
منظوم	لیلی و مجنون: حکیم نظامی گنجه ای	منظوم	منثور	منظوم	منثور	منظوم	منثور
منظوم	مرصاد العباد الی المعاد: نجم الدین رازی (معروف به دایه)	منظوم	منثور	منظوم	منثور	منظوم	منثور
منظوم	چهارپاره «در امواج سند»: مهدی حمیدی شیرازی (آثار دیگر: دریای گوهر - فنون شعر و کالبدهای پولادین آن)	منظوم	منثور	منظوم	منثور	منظوم	منثور
منظوم	عبّاس میرزا، آغازگری تنها: مجید واعظی	منظوم	منثور	منظوم	منثور	منظوم	منثور
منظوم	فرهنگ معین: محمد معین (در شش جلد)	منظوم	منثور	منظوم	منثور	منظوم	منثور
منظوم	زندان موصل: کامور بخشایش قاطرات زندانی آزاد شده، اصغر رباط یزنی	منظوم	منثور	منظوم	منثور	منظوم	منثور
منظوم	به یاد ۲۲ بهمن: ضیاءالدین شفیع	منظوم	منثور	منظوم	منثور	منظوم	منثور
منظوم	هم صدا با حلق اسماعیل: سید حسن حسینی	منظوم	منثور	منظوم	منثور	منظوم	منثور
منظوم	شعر «صبح بی تو: قیصر امین پور	منظوم	منثور	منظوم	منثور	منظوم	منثور
فارسی ۳ (سال دوازدهم).....		دیوان غزلیات فیض: ملا محسن فیض کاشانی		قطعه «مست و هشیار»: پروین اعتصامی (به شیوه مناظره)		شعر «ای میهن»:	
منظوم	تفسیر سوره یوسف: احمد بن محمد بن زید طوسی (داستان جمال و کمال» از این کتاب انتقاب شده است.)	منظوم	منثور	منظوم	منثور	منظوم	منثور
منظوم	پیوند زیتون بر شاخه ترنج: علی موسوی گرمارودی (شعر «در سایه سار نقل ولایت» از این کتاب انتقاب شده است.) (آثار دیگر: گوشواره عرش)	منظوم	منثور	منظوم	منثور	منظوم	منثور
منظوم	سیاست نامه: خواجه نظام الملک توسی	منظوم	منثور	منظوم	منثور	منظوم	منثور
منظوم	قصیده «غرش شیران»: سیف فرغانی	منظوم	منثور	منظوم	منثور	منظوم	منثور
منظوم	غزل «باز این چه شورش است»: محتشم کاشانی	منظوم	منثور	منظوم	منثور	منظوم	منثور
منظوم	من زنده ام: معصومه آباد	منظوم	منثور	منظوم	منثور	منظوم	منثور
منظوم	دریادلان صف شکن: مرتضی آوینی (آثار دیگر: شهری در آسمان)	منظوم	منثور	منظوم	منثور	منظوم	منثور
منظوم	غزل «خاک آزادگان»: سپیده کاشانی (سرور اعظم باکوچی)	منظوم	منثور	منظوم	منثور	منظوم	منثور
منظوم	شاهنامه: حکیم ابوالقاسم فردوسی	منظوم	منثور	منظوم	منثور	منظوم	منثور
منظوم	گلستان: سعدی (مصلح بن عبدالله)	منظوم	منثور	منظوم	منثور	منظوم	منثور
منظوم	امثال و حکم: دهخدا	منظوم	منثور	منظوم	منثور	منظوم	منثور
منظوم	شعر «دلبران و مردان ایران زمین»: محمودشاهرخ (بیزه)	منظوم	منثور	منظوم	منثور	منظوم	منثور
منظوم	مثنوی معنوی: مولانا (شعر «طوطی و بقال» از دفتر اول آن انتقاب شده است) (آثار دیگر: غزلیات شمس) (منظوم] آیه ما فیه) (منثور)	منظوم	منثور	منظوم	منثور	منظوم	منثور
منظوم	اخلاق محسنی: حسین واعظ کاشانی	منظوم	منثور	منظوم	منثور	منظوم	منثور
منظوم	لطایف الطوایف: فخرالدین علی صفی	منظوم	منثور	منظوم	منثور	منظوم	منثور

مبحث:تاریخ ادبیات

نکات فارسی(سال دهم).....

ادبیات تعلیمی: متونی که شاعر یا نویسنده، خواسته است موضوع و مفهومی رفتاری، اخلاقی یا مسئله ای اجتماعی و پندآموز را به شیوهٔ اندرز باز گو کند؛ برای این کار از داستان یا حکایت در قالب شعر و نثر بهره گرفته است؛ به این گونه آثار ادبی، «ادبیات تعلیمی» می گویند.

اثر تعلیمی، اثری است که با هدف آموزش و تعلیم، موضوع هایی از حکمت، اخلاق، مذهب یا دانشی از معارف بشری را بیان میکند. آثار تعلیمی میتوانند تخیلی- ادبی باشند تا مسئله ای را به صورت روایی یا نمایشی با جذابیت بیشتر ارائه دهند.از این گونه آثار ادبی، به ویژه در کتاب های درسی و ادبیات کودک و نوجوان بهره می گیرند. بسیاری از شاهکارهای ادبی (قابوس نامه، کلیده و دمنه، گلستان، بوستان، مثنوی معنوی) و آثار طنز، جنبهٔ تعلیمی دارند.

ادبیات سفر و زندگی: در درس «سفر به بصره»، ناصر خسرو بخشی از رخداد یک روز از سفر خویش را با ذکر زمان و مکان و شرح جزئیات و توصیف حالات اشخاص، بیان کرده است(سفرنامه). در متن «کلاس نقاشی» سپهری خاطره ای از یک کلاس دوران تحصیل خویش را با توصیف و چاشنی طنز نوشته است (خاطره نگاری)

سفرنامه ها یا خاطره نگاشت ها در حقیقت، بخشی از «زندگی نامه» هستند.

اثری که اشخاص با ثبت خاطرات و گزارش احوال خویش یا شرح رخدادهای روزگار و افکار دیگران بر جای می گذارند؛ «حَسَبِ حال» یا «زندگی نامه» خوانده می شوند؛ مثلاً «پیرمرد چشم ما بود» بیان حسّ و حال عاطفی آل احمد است که با زبان صمیمی دربارهٔ نیما نگاشته شده است.

ادبیات غنایی:متن ها و نوشته هایی که موضوع آنها بیان عواطف و احساسات شاعر یا نویسنده دربارهٔ دوستی، محبّت، عشق،شادی و برخی مفاهیم عمیق عرفانی است. به آثاری (شعر یا نثر) که چنین درون مایه ای دارند، «ادبیات غنایی» گفته میشود.

ادبیات غنایی، اشعار و متونی است که احساسات، عواطف شخصی، حالات عاشقانه و امید و آرزویی را بیان می کند. در ادبیات فارسی، موضوع های غنایی با مفاهیمی همچون: عشق، عرفان، مرثیه، مناجات و گلایه و شکایت، معمولاً در قالب های شعری غزل، مثنوی و رباعی و نیز در قالب نثر نوشته می شود.

ادبیات پایداری: نوشته های که در آنها نویسنده یا شاعر، تفکّر آگاهی بخش یا انتقادی خویش را دربارهٔ دادگری، عدالت خواهی، بیدادگری، ستم ستیزی، آزادی و حق جویی، بازگو می کند. به این گونه متن ها که در حقیقت، فریاد مظلومیت آزادی خواهان را به گوش می رساند و خواننده را به ایستادگی، مبارزه و سازش ناپذیری در برابر ظلم، فرامی خواند، «ادبیات پایداری» یا «ادب مقاومت» می گویند.ایستادگی در برابر بیدادگری های اشخاص و حکومت های ظالم در تاریخ همهٔ ملّت ها دیده میشود؛ هنگامی که یک ملّت یا جامعه به

مبارزه با عوامل استبداد و استکبار داخلی یا تجاوز بیگانگان بر می خیزد، از سروده ها یا نوشته هایی بهره می گیرد که موضوع اصلی آنها، ستایش آزادی و آزادی خواهی و دعوت به مبارزه و پایداری در برابر بیدادگران است.
ادبیات انقلاب اسلامی: مقصود ما از «ادبیات انقلاب اسلامی» سروده ها و نوشته هایی هستند که از سال 1357 تاکنون آفریده شده اند و درون مایهٔ آنها از فرهنگ اسلامی، قیام امام حسین (ع)، اندیشه های امام خمینی(ره) و فضای فرهنگی، معنوی و شور و نشاط انقلابی جامعه، تأثیر پذیرفته است. این گونه آثار، تصویری از تحوّلات فکری - فرهنگی جامعهٔ معاصر را به دست می دهند.

ادبیات حماسی: حماسه، به معنای دلآوری و شجاعت است و در اصطلاح ادبی، روایتی داستانی از تاریخ تخیلی یک ملت است که با قهرمانی ها، جنگاوری ها و رخدادهای خلافِ عادت و شگفت (خارق العاده)در می آمیزد. حماسه مربوط به دورانی کهن است که قبایل و تیره های گوناگون متحد شده و اندک اندک تشکیل ملتی داده اند؛ به همین سبب، حماسهٔ هر ملّتی، بیان کنندهٔ آرما نه‌ای آن ملّت است و مجاهدات آن ملّت را در راه سربلندی و استقلال برای نسل های بعدی روایت می کند. درحماسه؛ تاریخ و اساطیر، خیال و حقیقت به هم آمیخته می شود و شاعر، مورّخ ملّت به شمار می آید. بنابراین هر حماسه چند ویژگی دارد: داستانی، قهرمانی، ملّی و شگفت آوری.

داستان نبرد رستم و اشکبوس:

سختن بر سرِ پیکار میان ایرانیان و تورانیان است. هنگامی که کیخسرو در ایران بر تخت نشست، افراسیاب در سرزمین توران بر تخت پادشاهی نشسته بود. سپاه توران به کمک سردارانی از سرزمین های دیگر به ایران می تازد. کیخسرو، رستم را به یاری می خواند. اشکبوس، پهلوان سپاه توران، به میدان می آید و مبارز می جوید. یکی دو تن، از سپاه ایران پای به میدان می نهند، امّا سرانجام، رستم، پیاده به میدان می رود. نبرد رستم با اشکبوس یکی از عالی ترین صحنه های نبرد تن به تن است که در آن طنزگویی و چالاکي و دلآوری و زبان آوری با هم آمیخته است.

رهام:از مبارزان سپاه ایران،که در مقابل اشکبوس پای به فرار می گذارد.

طوس: از فرماندهان سپاه ایران.

کاموس: از فرماندهان مطیع افراسیاب.

داستان نبرد سهراب و گردآفرید:

گردآفرید، پهلوان شیر زن حماسهٔ ملّی ایران، دختر گُردَهَم است. گردآفرید دلاور با اینکه در داستان رستم و سهراب شاهنامه حضوری کوتاه دارد، بسیار برجسته و یکی از گیراترین زنان شاهنامه است. در رهسپاری سهراب از توران به سوی ایران، هنگامی که وی در جست و جوی پدرش، رستم است، با او آشنا می شویم. در مرز توران و ایران، دژی به نام سپید دژ است.گُردَهَم که یک ایرانی سالخورده است، بر آن دژ فرمان می راند و همواره در برابر دشمن، پایداری سرسختانه ای می ورزد و با این کار، دل همهٔ ایرانیان را به آن دژ

زبان وادبیات فارسی

ادبیات به سبک امید میران

امیدوار می سازد.سهراب ناچار است پیش از درآمدن به خاک ایران از این دژ بگذرد. در نبرد میان سهراب و هُجیر، فرمانده دژ، سهراب بر او پیروز می شود. سهراب، نخست می خواهد او را بکشد، اما او را اسیر کرده، راهی سپاه خود می کند. آگاهی از این رویداد، دژ نشینان را سراسیمه می سازد،ا ما گرد آفرید این واقعه را مایهٔ ننگ می داند و برمی آشوبد و خود به نبرد او می‌رود. سهراب برای رویارویی آن شیرزن به رزمگاه درمی آید و نبرد میان آن دو درمی گیرد.
ادبیات داستانی: به آثاری که با بهره گیری از عنصر روایت، شخصیت، لحن، زمان، مکان و زوایهٔ دید و …پدید می آیند؛ «ادبیات داستانی» گفته می شود. ادبیات داستانی، همهٔ آثار روایی را در بر می گیرد، یعنی هر اثر روایتی خَلْاقانه، در قلمرو ادبیات داستانی، جای میگیرد.ادبیات داستانی شامل قصه، داستان، داستان کوتاه و رمان است. داستان در حقیقت، ظرفی است که نویسنده به کمک آن، تفکّرات، آرزوها و جهت گیری های فکری خویش و مفاهیم خاص را در آن می گنجاند.

ادبیات جهان: در این فصل با متن ها و شاعران و نویسندگانی آشنا شدیم که بیرون از جغرافیای فرهنگی ایران را تصویر می کنند و مسایل سرزمین های دیگر یا موضوع های بشری را در جهان، نشان می دهند.
از طریق مطالعهٔ این فصل، با افکار مشاهیر، اندیشه های ملل و آثار برجسته و شخصیت های مشهور ادبیات جهان آشنا می شویم.

نکات فارسی۲ (سال یازدهم)

زندگی نامهٔ مولانا:

نام:محمد

تولد: اوایل قرن ۷ در بلخ
مرگ:پنجم جمادی الآخر سال ۶۷۲ه.ق

لقب: جلال الدین

شهرت:مولانا یا مولوی ، رومی،مولانای روم
(علت شهرت:به دلیل طول اقامتش در قونیه)

نگه پدرش: محمد بن حسین الخطیبی معروف به «بهاء ولد» از دانشمندان روزگار بود

نگه مولانا در سن ۱۸ سالگی به فرمان پدر با «گوهر خاتون» سمرقندی ازدواج کرد

نگه مولانا در نیشابور با عطّار ملاقات کرد و عطار کتاب «اسرارنامه» را به وی هدیه داد. و عطار به بهاء ولد گفت:«زود باشد که این پسر تو، آتش در سوختگان عالم زند»

نگه بهاء ولد به سبب هراس از بی رحمی ها و کشتار لشکر مغول و رنجش از خوارزم شاه، ناچار از بلخ مهاجرت کرد. جلال الدّین در این آیام، پنج،شش ساله بود که خاندانش، شهر بلخ و خویشان را بدرود گفت و به قصد حج، رهسپار گردید.

نگه هنگامی که بهاءِ ولد، مناسک حج را به پایان برد، در بازگشت، به طرف شام روانه گردید و مدّتی در آن نواحی به سر برد. آوازهٔ تقوا و فضل و تأثیر

گروه آموزشی ماز

از سری پوسترهای جمع بندی

بهاءِ ولد همه جا را فراگرفت و پادشاه سلجوقی روم، علاء الدّین کیقباد، از مقامات او آگاهی یافت، طالب دیدار وی گردید. بهاءِ ولد به خواهش او به قونیه روانه شد و بدان شهریار پیوست.

نگه پس از درگذشت بهاء الدّین، جلال الدّین محمّد به اصرار مریدان و شاگردان پدر، مجالس درس و وعظ را به عهده گرفت؛ جلال الدّین در آن هنگام، بیست و چهار سال داشت.

نگه پس از این، جلال الدّین مدّتی در شهر حَلَب به تحصیل علوم پرداخت و سپس عازم دمشق شد و بیش از چهار سال در آن ناحیه، دانش می اندوخت و معرفت می آموخت. جلال الدّین، پس از چندی اقامت در شهرهای حلب و شام که مدّت مجموع آن، هفت سال بیش نبود، به قونیه بازآمد و همه روزه، به شیوهٔ پدر، در مدرسه، به درس علوم دینی و ارشاد می پرداخت و طالبان علوم شریعت در محضر او حاضر می شدند.

نگه شمس الدّین، بیست و ششم جمادی الآخر سال 642 هجری قمری به قونیه وارد شد.

نگه شمس از مردم تبریز بود و خاندان وی هم اهل تبریز بودند. او برای کسب علوم و معارف، بسیار مسافرت کرد و از مشایخ فراوانی بهره برد. به دلیل سیر و سفر و البّته جست وجو و پرواز در عالم معنا، او را «شمس پرنده» می گفتند.

نگه مولانا جلال الدّین با همهٔ علم و استادی خویش، در این آیام که حدوداً سی وهشت ساله بود، خدمت شمس زانو زد و نوآموز گشت؛ این خلوت عارفانه،حدود چهل روز طول کشید.

نگه مولانا آن چنان در معارف شمس، غرق شد که مریدان خود را از یاد برد. اهل قونیه و علما و زاهدان هم، مانند شاگردانش از تغ ییر رفتار مولانا خشمگین شدند و به سرزنش او پرداختند. در پی فزونی گرفتن خشم و غضب مردم، شمس، ناگزیر قونیه را ترک کرد. مولانا در طلب شمس به تکاپو افتاد و سرانجام خبر یافت که او به دمشق رفته است.

نگهمولانا فرزند خود – سلطان ولد – را با غزل«بروید ای حریفان،بکشید یار ما را» به طلب شمس روانهٔ دمشق کرد. شمس، خواهش مولانا را پذیرفت و بار دیگر به قونیه بازگشت. با آمدن شمس، بار دیگر، نشست ها و ملاقات مولانا با او پی درپی شد و سبب انقلاب احوال مولانا گردید. دگربار، مریدان از تعطیل شدن مجالس درس، به خشم آمدند و مولانا را دیوانه و شمس را جادوگر خواندند. چون یاران مولانا به آزار شمس برخاستند، شمس، ناگزیر دل از قونیه برکند و عزم کرد که دیگر بدان شهر پرغوغا بازنیاید و جایی برود که از او خبری نشنوند و رفت.

نگه مولانا پس از رفتن شمس از سال ۶۴۷ ه.ق تا هنگام مرگش یعنی سال ۶۷۲ به همت یاران نزدیک خود یعنی صلاح الدین زرکوب و سپس حسام الدین چلبی به نشر معارف الهی مشغول بود. بهترین یادگار آیام همدمی مولانا با این یاران، به ویژه با حسام الدّین، سرودن کتاب گران بهای مثنوی است که یکی از عالی ترین آثار ادبی ایران و اسلام است.

مبحث:تاریخ ادبیات

در این باره، این گونه روایت می کنند که حسام الدّین از مولانا درخواست نمود کتابی به طرز«الهی نامهٔ» سنایی یا «منطق الطیر» عطار به نظم آرد.مولانا بی درنگ از دستار خود کاغذی که مشتمل بود بر **هجده بیت** از آغاز مثنوی، بیرون ورد و به دست حسام الدّین داد.

حُکّا از شاعران و عارفان هم روزگار مولانا، **سعدی** و **فخرالدّین عراقی** بودند که ظاهراً هر دو نفر با وی دیدار و ملاقات کرده اند. غزل **«هر نفس آواز عشق می رسد از چپٔ و راست»** از مولانا، سعدی را شیفتهٔ خویش ساخت.

حُکّا گویند در شب آخر که بیماری مولانا سخت شده بود، خویشان و پیوستگان، بسیار نگران و فرزند مولانا، هر دَم بی تابانه به بالین پدر می آمد و باز از اتاق ، **«سلطان ولد»** بی قرار بودند و بیرون می رفت. مولانا در آن حال، غزل **«رو،سربنه به بالین،تنها مرا رها کن»** سرود و این، آخرین غزلی است که مولانا ساخته است.

ادبیات غنایی:

شاعران، در سرودن منظومه های داستانی، غالباً از قالب **«مثنوی»**بهره میگیرند.

ادبیات پایداری:

به اشعاری که از چند بند هم وزن و هم آهنگ تشکیل شده اند، هر بند، شامل چهار مصراع است؛«**چهار پاره**»یا«**دوبیتی های پیوسته**» می گویند؛ چهار پاره، بیشتر برای طرح مضامین اجتماعی و سیاسی به کار می رود و **رواج آن**، از **دورهٔ مشروطه** بوده و تاکنون ادامه یافته است.ملک الشّعرای بهار، فریدون مشیری و فریدون تولّی سروده هایی در این قالب دارند.

ادبیات انقلاب اسلامی:

به سروده هایی که از **چهار مصراع** تشکیل شده و در آن مصراع های یکم، دوم و چهارم آن، هم قافیه هستند و وزن و آهنگ آن، معادل **« لاحول ولا قُوَّةَ اِلَّا بالله»** است **«رباعی»** می گویند.گاه در رباعی، **مصراع سوم** نیز با دیگر مصراع ها هم قافیه می شود.

خیّام، عطار، **مولوی** و **بابا افضل** سرایندگان نامدار رباعی اند.

«انتظار موعود»یکی از مایه های ادبیات انقلاب اسلامی است.

ادبیات حماسی:

در داستان های حماسی ایران و اساطیر باستان، چهرهٔ انقلابی **کاوهٔ آهنگر بی نظیر** است و پیش بند چرمین او که بر نیزه کرد و مردم را به اتّحاد و جنبش فراخواند، درفشی بود انقلابی که بر ضدّ پادشاه وقت، **ضحّاک**،برافراشت. درفشی که پشتیبان آن، **دل دردمند** و **بازوی مردم رنج کشیده** و بی پناه بود.

ضحّاک، معرَبِ اژی دهاک (اژدها)، در داستان های ایرانی، مظهر **خوی شیطانی** است و زشتی و بدی؛ در اوستا موجودی است«سه پوزهٔ سه سر شش چشم» دیوزاد و مایهٔ آسیب آدمیان و فتنه و فساد.

مرداس:پدر ضحاک، که ابلیس با موافقت ضحاک،او را که مردی پاک دین بود از پای در می آورد.

فریدون:با یاری **کاوهٔ آهنگر** بر ضحاک غلبه می کند و او را در **کوه دماوند** در بند می کند

به روایت فردوسی، ضحّاک بارها فریب ابلیس را می خورد؛ بدین معنی که ابلیس با موافقت او، پدرش، مرداس، را که مردی پاک دین بود، از پا درمی آورد تا ضحّاک به پادشاهی برسد. سپس در لباس خوالیگری چلاک، خورش هایی حیوانی به او می خوراند و خوی بد را در او می پرورد؛ سپس بر اثر بوسه زدن ابلیس بر دوش ضحّاک، دو مار از دو کتف او می روید و مایهٔ رنج وی می شود. در اساطیر ایران، مار مظه‌ری است از اهریمن و در اینجا نیز بر دوش ضحّاک می روید که تجسّمی است از خوهای اهریمنی و بیداد و منش خبیث.

ادبیات جهان:

گوته، شیفته و دلبستهٔ شعر و اندیشهٔ **حافظ** بود؛ او متن زیر را نیز به تأثیرپذیری از حافظ سروده است:

«مگر نه راهنمای ما هر شامگاهان با صدای دلکش، بیتی چند از غزل های شورانگیز تو را می خواند تا اختران آسمان را بیدار کند و رهنان کوه و دشت را بترساند»

نکات فارسی ۳ (سال دوازدهم)

ادبیات پایداری:

شعر **«آزادی»** نمونه ای از اشعار **وطنی عارف قزوینی** است که به سلطهٔ بیگانگان و بیدادگری **محمد علی شاه** اشاره دارد.

به غزل هایی که محتوای آنها بیشتر مسائل **سیاسی** و **اجتماعی** است،غزل **اجتماعی** گویند؛در عصر مشروطه با توجه به دگرگونی های سیاسی و اجتماعی،این نوع **غزل رواج یافت**،در سروده های شاعرانی چون **محمدتقی بهار**، **عارف قزوینی** و **فرخی یزدی** می توان نمونه های آن را یافت.

محمد تقی بهار شعر **دماوندبه** را در سال ۱۳۰۱ هجری شمسی سرود.در این سال به تحریک بیگانگان،هرج و مرج قلمی و اجتماعی و هتّاکی ها در مطبوعات و آزار و طن خواهان و سستی کار دولت مرکزی برذوز کرده بود. بهار این قصیده را با تأثیر پذیری از این معانی گفته است.

ادبیات سفر و زندگی:

در واترلو (همان جایی که جنگ عظیم ناپلئون روی داد در بروکسل پایتخت بلژیک) یک پانوراما ساخته شده است که از شاهکارهای هنری دنیاست و گفته می شود تمام آن بر اساس تعریف ویکتورهوگو از میدان جنگ [در جلد دوم بینوایان] ساخته شده است.

«کوپر» اثری از دکتر علی شریعتی نوعی سفرنامه محسوب می شود.

ادبیات حماسی: شخصیت های گذر سیاوش از آتش:

سیاوش،فرزند کاووس[شاه خیره سر کیانی] که پس از تولد،رستم او را به زابل برده،رسم پهلوانی،فرهیختگی و رزم و بزم به او می آموزد.پس از بازگشت،همسر کاووس **شاه [سودابه]** به سیاوش دل می بندد اما سیاوش که آزرم و حیا و پاکدامنی و عفاف آموخته است،تن به گناه نمی سپارد و از جانب سودابه متهم می شود.کیکاووس به خاطر تهمت های سودابه به توصیهٔ موبدان،**آتشی برپا می کند** تا با این روش،گناهکار از بی گناه شناخته شود.

زبان وادبیات فارسی

ادبیات به سبک امید میران

بی گناهی سیاوش اثبات می شود و او به سلامت از آتش می گذرد.

شخصیت های خوان هشتم:

شغاد:**برادر ناتنی رستم**،که با حفر چاه موجب کشته شدن رستم شد. البته رستم نیز درون چاه انتقام خود را از شغاد می گیرد و او را با تیر به درختی می دوزد!

رستم:**پسر زال**،پهلوان **سیستانی**

زادسرو(آزاد سرو): از راویان شاهنامه

ماخ سالار: از گرداوندگان و راوئیان شاهنامه

آثار نثر آمیخته به نظم:

کلیله و دمنه (ترجمهٔ نصرالله منشی)

گلستان(سعدی)

مرصادالعباد(نجم الدین رازی)

روضهٔ خلد(مجد خوافی)

جوامع الحکایات و لوامع الروایات(محمد عوفی)

تمهیدات(عین القضات همدانی)

بهارستان(جامی)

داستان های دل انگیز ادب فارسی(زهرا کیا)

مترجمان:

کلیله و دمنه (ترجمهٔ نصرالله منشی)

پرنده ای به نام آذرباد (سودابه پرتوی)

سمفونی پنجم جنوب(محمدشکرچی،ناهدید نصیحت،هادی خسروشاهی)

مآنده های زمینی(مهمستی بحرینی)

زندگی نامه ها:

شرح حال ها:

اسرارالتوحید (محمد بن منور)

حسب حال ها:

اتاق آبی (سهراب سپهری)

روزها(دکتر اسلامی ندشن)

زندان موصل(کامور بخشایش)

از پاریز تا پاریس(باستانی پاریزی)

کوپر(علی شریعتی)

بخارای من ایل من(محمدبهمن بیگی)

نام دیگر!

علی اسفندیاری (نیمایوشیچ)

محمود شاهرخی(جذبه)

گروه آموزشی ماز

از سری پوسترهای جمع بندی

سرور اعظم باکوچی (سپیده کاشانی)

مهدی اخوان ثالث(م.امید)

زهرا کیا(خانلری)

محمدحسین بهجت تبریزی(شهریار)

محمدبن حسین الخطیبی(بهاءولد)

نجم الدین رازی(نجم دایه،دایه)

محمدعلی مجاهدی(پروانه)

محمدرضا شفیعی کدکنی(م.سرشک)

محمدرضا رحمانی(مهرداد اوستا)

محمد جلال الدّین(مولوی)

مبحث: تاریخ ادبیات

ادبیات به سبک امید میران

از سری پوسترهای جمع بندی

۱-هر یک از آثار زیر، به ترتیب، از چه کسی است؟

«سانتاماریا، در حیاط کوچک پاییز در زندان، تیرانا، دری به خانه خورشید»

۱) محمد بهمن بیگی، سید حسن حسینی، مهرداد اوستا، م.سرشک

۲) سید مهدی شجاعی، اخوان ثالث، محمدرضا رحمانی، سلمان هراتی

۳) باستانی پاریزی، سهراب سپهری، شفیعی کدکنی، سلمان هراتی

۴) احمد عربلو، م.امید، سیاوش کسرایی، قیصر امین پور

۲-آثار منسوب به چند نویسنده یا شاعر درست است؟

(تحفه الاحرار: جامی)(روزها: اسلامی ندوشن)(مرصاد العباد: نجم دایه)(جوامع الحکایات و لوامع

الروایات: نصرالله منشی)(فرهاد و شیرین:نظامی)(هم صدا با حلق اسماعیل: نادر ابراهیمی)(حملة

حیدری: باذل مشهدی)

۱) سه (۲) چهار (۳) پنج (۴) شش

ریاضی ۹۸

تجربی ۹۸

انسانی ۹۸

زبان ۹۸

هنر ۹۸

خارج ۹۸

منتخب

۷-نام پدیدآورندهٔ چند اثر در روبه روی آن نادرست ذکر شده است؟

«ماه نو و مرغان آواره:گوته/سندبادنامه:ظهیری سمرقندی/فیه ما فیه:عطارنیشابوری/سه دیدار:نادر

ابراهیمی /سمفونی پنجم جنوب:نزار قبانی /من زنده ام:معصومه آباد / قابوس نامه:خواجه نظام

الملک/داستان صاحب دلان:زهرا کیا / ارزیابی شتاب زده:جلال آل احمد / مرصاد العباد:سنایی

غزنوی» ۱)سه (۲)چهار (۳)پنج (۴)شش

۸-در همهٔ گزینه ها«زمینهٔ ملی» حبرجسته است،به جز

۱)پرستیدن مهرگان دین اوست / تن آسانی و خوردن آیین اوست

۲)به جمشید بر گوهر افشاندند / مر آن روز را روز نو خواندند

۳)نشست از بر تخت بهرام شاه / به سر بر نهاد آن کیانی کلاه

۴)چنان تیره شد روز روشن ز گرد / تو گفتی که خورشید شد لاجورد

۹-در کدام گزینه اشتباه وجود ندارد؟

۱)شلوارهای وصله دار(منثور):رسول پرویزی / تمهیدات(منثور):سهروردی/هفت پیکر(منظوم):نظامی

۲)جوامع الحکایات ولوامع الروایات(منثور):محمدعوفی/اسرارالتوحید(منظوم):محمدبن منور/تحفه الاحرار(منظوم):جامی

۳)فرهاد وشیرین(منظوم):نظامی / روضهٔ خلد(منثور):مجد خوافی/اخلاق محسنی(منثور):حسین واعظ کاشفی

۴)لطایف الطوایف(منثور):فخرالدین علی صفی / منطق الطیر(منظوم):عطار/ حملة حیدری(منظوم):باذل مشهدی

۱۰-در کدام گزینه انتساب آثار به نویسندگان آن کاملاً درست است؟

۱) اتاق آبی (سهراب سپهری)– سمفونی پنجم جنوب (پابلو نرودا)

۲) سندبادنامه (ظهیری سمرقندی)– ارزیابی شتاب زده (جلال آل احمد)

۳) سیاست نامه (خواجه نظام الملک طوسی)– هوا را از من بگیر خنده ات را نه (آلفونس دوده)

۴) تفسیر سورهٔ یوسف (محمد بن منور)– ارمیا (رضا امیرخانی)

۱۱-کدام گزینه از لحاظ دانش های ادبی نادرست است؟

۱) سفرنامه ها یا خاطره نگاشت ها در حقیقت، بخشی از «زندگی نامه ها» هستند.

۲) اثر غنایی اثری است که به بیان موضوع هایی از حکمت، اخلاق، مذهب یا دانشی از معارف بشری می پردازد.

۳) به آثاری که فریاد مظلومیت آزادی خواهان را به گوش می رساند و خواننده را به ایستادگی در برابر ظلم

فرامی خواند«ادبیات مقاومت»می گویند.

۴) ادبیات داستانی همهٔ آثار روایی از جمله: قصه، داستان، داستان کوتاه و رمان را در بر می گیرد.

۱۲-در گزینهٔ نام آثار و پدیدآورندهٔ آن ها تماماً صحیح آمده است.

۱)قصهٔ شیرین فرهاد:وحشی بافقی(دری به خانهٔ خورشید:سلمان هراتی)

۲)(سندبادنامه:ظهیری سمرقندی)(فیه ما فیه:بهاء ولد)

۳)(تمهیدات:عین القضات همدانی)(مثل درخت در شب باران:م.امید)

۴)(بخارای من ایل من:محمدبهمن بیگی)(سانتاماریا:مهدی شجاعی)

۱۳-کدام موارد از عبارات زیر،از لحاظ تاریخ ادبیات درست است؟

الف)«پیوند زیتون بر شاخهٔ ترنج» و «سمفونی پنجم جنوب»هر دو مجموعه شعر هستند.

ب)طوطی و بقال،سرودهٔ مولاناست که در دفتر ششم مثنوی معنوی آمده است.

ج)لطایف الطوایف و اخلاق محسنی،هر دو به نثر نوشته شده اند.

د)پدید آورندهٔ مجموعه شعرهای صاحب‌دلان محمدی اشتهاردی است.

۱)ج،ب (۲)الف،د (۳)ب،د (۴)الف،ج

۱:گزینهٔ ۲ فارسی ۳ ۲:گزینهٔ ۲ جوامع الحکایات و لوامع الروایات:محمدعوفی /

فرهاد وشیرین:وحشی بافقی/ هم صدا با حلق اسماعیل: سید حسن حسینی

۳:گزینهٔ ۲ هم صدا با حلق اسماعیل: سید حسن حسینی/ سه دیدار:نادر

ابراهیمی / روزها:اسلامی ندشن /جلال متینی:نمونه های نثر فصیح فارسی/

۴:گزینهٔ ۲ تخلص محمدرضا شفیعی کدکنی:م.سرشک / «مزار شاعر» شعر

نیست! ثانیاً نویسندهٔ آن فرانسوا کوپه است. / قالب دماوندیه: قصیده! ۵:گزینهٔ ۴

زندان موصل:کامربخشایش ۶:گزینهٔ ۲ ۷:گزینهٔ ۳ ماه نو و مرغان

آواره:رابیندرانات تاگور / فیه ما فیه:مولوی / قابوس نامه:عنصرالمعالی / داستان

های صاحب‌دلان:محمدی اشتهاردی / مرصادالعباد:نجم رازی ۸:گزینهٔ ۴ در

گزینهٔ ۱ اشاره به جشن مهرگان / در گزینهٔ ۲ اشاره به جشن نوروز / در گزینهٔ ۳

اشاره به تاج گذاری ۹:گزینهٔ ۴ تمهیدات(منثور):عین القضات /

اسرارالتوحید(منثور):محمدبن منور / فرهاد و شیرین(منظوم):وحشی بافقی

۱۰:گزینهٔ ۲ سمفونی پنجم جنوب:نزار قبّانی/ هوا را از من بگیر، خنده ات را نه:

پابلو نرودا/ تفسیر سورهٔ یوسف: احمد بن محمد زید طوسی۱۱:گزینهٔ ۲ این تعریف

مربوط به ادبیات تعلیمی است. ۱۲:گزینهٔ ۴ قصهٔ شیرین فرهاد:احمد عربلو / فیه

ما فیه:بهاء ولد / مثل درخت در شب باران:م.سرشک(شفیعی کدکنی)

۱۳:گزینهٔ ۴ طوطی و بقال در دفتر اول مثنوی آمده / داستان های صاحب‌دلان!

نه مجموعه شعر صاحب‌دلان.